



جمهوری اسلامی و پرونده قتل زهرا کاظمی

بیش از دو ماه از مرگ دهشتناک زهرا کاظمی؛ خبرنگار کانادایی ایرانی الاصل، به دست دژخیمان جمهوری اسلامی می‌گذرد. علیرغم آنکه مقامات جمهوری اسلامی پذیرفته‌اند که "برخی" از مأمورین حکومتی مسئول قتل زهرا کاظمی هستند، اما به دلیل رسوائی گسترده‌ای که این قتل برای سران جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی ایجاد کرده، آنها هنوز از ارائه شواهد و مدارک روشن کننده شرایط مرگ زهرا کاظمی و هویت دستوردهندگان و عاملین واقعی این جنایت فجیع سرباز زده‌اند. با این رفتار، رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی که مقامات آن در عالی‌ترین سطوح از چگونگی بازداشت، شکنجه و سرانجام قتل وحشیانه زهرا کاظمی توسط مزدوران حکومت اطلاع داشته‌اند، می‌کوشد تا مانند سایر جنایات خود چهره ارتجاعی کلیت نظام را در سازماندهی و اجرای این قتل کثیف لاپوشانی کند. آنها می‌کوشند تا با اتلاف وقت و طولانی کردن پروسه باصطلاح "تحقیق و بررسی" از شدت تنفر عمومی برعلیه خود بکاهدند و سپس در صورت اجبار بکوشند تا با وعده "مجازات" یک یا تنی چند از مزدوران نگون بخت خویش بعنوان "عاملین" جنایت سر و ته این رسوائی را به هم بیاورند. درست در این چارچوب است که در روزهای اخیر برای ظاهرسازی، از سوی بلندگوهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی اسامی سه تن از بازجویان مزدور ساواک جمهوری اسلامی به عنوان "مسببین" قتل زهرا کاظمی اعلام گشت و اضافه شد که گویا تنها یکی از این افراد به طور مستقیم در شکنجه‌هایی که منجر به مرگ این خبرنگار شده دست داشته‌است.

زهرا کاظمی خبرنگار و عکاسی بود که با اطلاع رسمی و اجازه مقامات جمهوری اسلامی برای کسب

فریبکارانه مقامات حکومت مبنی بر مرگ "تصادفی" او باقی نمی‌گذارد. همچنین دفن سریع و بی‌سر و صدای جسد قربانی در شیراز به رغم تقاضای استرداد جسد از سوی پسر زهرا کاظمی به کانادا برای انجام تحقیقات نشان می‌داد که مقامات جمهوری اسلامی از رئیس‌جمهور فریبکار گرفته تا رئیس قوه قضائیه و دادستانی برغم ادعای انجام "تحقیقات" برای روشن شدن ماجرا به هیچ‌رو مایل به ارائه مدارک برای روشن شدن قضیه نیستند. چرا که آنها می‌دانستند چنین عملی تنها منجر به رو شدن دستان کثیف همگی آنها و عوامل شان در این قتل خواهد شد. در همین رابطه بنا به اظهارات حمید مجتهدی وکیل رسمی دادگاههای کانادا در تهران، برغم اعلام "همکاری" مقامات رژیم، دادستان تهران سعید مرتضوی هنوز به علت "عدم تمایل"، حتی "امکان" ملاقات با خود را به وکیل قربانی نداده‌است. (ادامه در صفحه ۳)

خبر و تهیه گزارش و عکس وارد ایران شد. مزدوران جمهوری اسلامی زهرا کاظمی را در حال تهیه گزارش و عکس از خانواده‌های دستگیر شدگان جنبش دانشجویی - مردمی در آن ایام دستگیر و به یکی از سیاهچال‌های وزارت اطلاعات در محل نامعلومی منتقل کردند. درست چند روز پس از دستگیری و در حالی که بستگان زهرا کاظمی از غیبت او نگران شده و برای یافتن او دست به کار شدند، اعلام گشت که جسد نیمه‌جان او در حالی که مورد ضرب و شتم وحشیانه قرار گرفته و دچار ضربه مغزی شده بود به یکی از بیمارستان‌ها منتقل گشت. با استعلام دولت کانادا - زیر فشار بستگان و بویژه پسر او استفان که شهروند کانادا است - کاربدستان رژیم که دیگر نمی‌توانستند مساله ربهوده شدن و شکنجه و مرگ او را پنهان نگاه دارند به واکنش پرداختند و نخست کوشیدند تا قربانی خویش را "جاسوس" دولت‌های خارجی معرفی کنند و مرگ او را "تصادفی" و نه در اثر "شکنجه" جلوه دهند. اما این تاکتیک جمهوری اسلامی به هیچ‌رو در افکار عمومی در داخل و خارج مؤثر واقع نشد. سابقه سیاه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در ترور، شکنجه و قتل مخالفان سیاسی در طول سالها به ویژه در جریان "قتلهای زنجیره‌ای" و دروغگوئی و فریبکاری سران مزدور حکومت در چنین مواردی منجر به آن شد که نه تنها هیچکس ادعاهای متناقض رژیم در مورد چگونگی مرگ زهرا کاظمی را باور نکرد، بلکه ابعاد مسأله در سطح مطبوعات داخلی و خارجی نیز گسترده شد و کل حکومت را در رابطه با این رسوائی زیر فشار قرار داد. آثار آشکار شکنجه‌های وحشیانه بر بدن قربانی و اثبات تجاوز به او در مدت بازجوئی به هیچ‌رو جایی برای باور ادعاهای

* مرگ یک کارگر جوان

در اثر شدت کار

* سیاستهای ضدپناهندگی دولت

انگلستان بازهم قربانی گرفت!

* رشوه ستانی مقامات جمهوری

اسلامی برای حراج نفت

* رشد نافرمانی و فرار در میان

سربازان آمریکایی

* دستگیری یکی از اعضای "حزب

انقلابی ترکیه" در هلند

* اعتراض به طرح پناهندگی جدید

در هلند

* اخبار کارگری



مرگ یک کارگر جوان در اثر شدت کار

در تاریخ ۲۴ شهریور ماه، یکی از کارگران ایران خودرو که در خط مونتاژ پژو کار می کرد ، بدلیل سنگینی کار دچار سکنه قلبی شده و فوت نمود. وی پیمان خسرو زاده رضی لو نام داشت و ۲۵ ساله بود. کارگرانی که شاهد بودند که چگونه علیرغم شکایت پیمان از سنگینی کاردر آن روز ، باز هم او از طرف مسئول مربوطه به کار گماشته شد ، در اعتراض به مرگ وی که آشکارا در اثر شدت کار بوقوع پیوست ، دست از کار کشیده و اعلام اعتصاب نمودند.

مقامات کارخانه به مدت ۲ روز از انتشار خبر مرگ پیمان امتناع و سعی در انکار آن نمودند. ولی ۲ روز بعد با کمک گروه پزشکی ایران خودرو و دیگر جیره خواران خود به میدان آمده و آن را یک مرگ طبیعی جلوه دادند و گریبان خود را از "پیگرد قانونی" خلاص نمودند.

مرگ جانگداز این کارگر زحمتکش ، نمونه دیگری از اوضاع وحشتناک کار و حیات کارگران ایران را تحت مناسبات استثمارگرانه نظام حاکم و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به نمایش می گذارد. در چارچوب چنین مناسبات ظالمانه ای است که سرمایه داران زالوصفت با بهره گیری از وجود یک ارتش ذخیره کار گسترده در جامعه به تشدید استثمار کارگران نگون بخت پرداخته و با اعمال سخت گیری های کاری وحشتناک و از جمله مجبور کردن کارگران به کار کردن در شیفت های طولانی و طاقت فرسا ، شیره جان آنها را مکیده و جیب های خود را به بهای خون آنان هر چه پرتر می سازند.

سیاستهای ضدپناهندگی دولت انگلستان بازمهم قربانی گرفت!

تشدید سیاست های پناهنده ستیز دولت انگلستان بار دیگر از میان پناهجویان ایرانی در انگلستان قربانی گرفت و منجر به خودسوزی و مرگ یک جوان سی ساله ایرانی به نام "اسرافیل شیری" در شهر منچستر ، در مقابل انظار مقامات مهاجرت گردید. اسرافیل شیری پس از آنکه با تقاضای پناهندگی او از سوی مقامات اداره مهاجرت انگلستان مخالفت شد و به دنبال آن که مأمورین این اداره او را از محل زندگی اش در منچستر بیرون کرده و کمک هزینه بخور و نمیر او را هم قطع کردند ، از فرط استیصال به اداره مهاجرت در شهر منچستر رجوع کرده و با ریختن بنزین بر سرش ، خود را به آتش کشید. پناهجوی نامبرده که از مشکلات روحی و جسمی نیز رنج می برد ، پس از اقدام به خودسوزی به بیمارستان منتقل شد ولی پس از ۵ روز در اثر جراحات جان سپرد.

لازم به تذکر است که در ظرف کمتر از سه سال این پنجمین پناهجوی ایرانی است که به دلیل رد تقاضای پناهندگی از سوی مقامات اداره مهاجرت انگلستان ، در چهارچوب سیاستهای ضدپناهندگی این دولت جان خود را از دست می دهد. چند ماه قبل از این واقعه در دسامبر سال ۲۰۰۲ نیز یک پناهجوی دیگر ایرانی به نام سیروس خواجه ، ۲۹ ساله که با تحمل مصائب بیشمار خود را از جهنم جمهوری اسلامی نجات داده و به انگلیس رسانده بود ، پس از دریافت نامه رد تقاضای پناهندگی اش ، خود را کشت. مقامات وزارت کشور انگلیس پس از کشف جسد سیروس ، بیشرمانه مدعی شدند که نامه ردی "به اشتباه" برای این جوان ایرانی پست شده و آنها با تقاضای پناهندگی او "موافقت" کرده بودند. از دسامبر سال ۲۰۰۰

تا کنون بجز اسرافیل شیری و سیروس خواجه ، حداقل سه پناهجوی دیگر ایرانی به نام های محسن امیری ۲۷ ساله ، رامین خالقی ۲۶ ساله و سعید علایی ۲۶ ساله پس از آنکه وزارت کشور انگلستان با تقاضای پناهندگی آنها مخالفت کرده و ورقه "ترک خاک" را به آنها ابلاغ کرد ، برای خودداری از بازگشت اجباری به ایران اقدام به خوددکشی کرده و جان خود را از دست دادند.

مرگ غم انگیز اسرافیل شیری بار دیگر سیاستهای ضددمکراتیک و پناهنده ستیز و برخورد های غیرانسانی دولت انگلستان را با برجستگی تمام به نمایش گذارده و بر ضرورت دفاع گسترده تر تمامی نیروهای انقلابی و دمکرات از حقوق انسانی و دمکراتیک پناهندگان تأکید می ورزد.

رشوه ستانی مقامات جمهوری اسلامی برای حراج نفت

افشای پرداخت رشوه از سوی یکی از شرکت های نروژی به مقامات جمهوری اسلامی برای کسب قراردادهای نفتی ، یک بار دیگر کوس رسوایی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در غارت منابع و ثروت های کشور را به صدا درآورد.

مطابق گزارشات منتشره از سوی روزنامه "آفتن پستن" نروژ که پر تیراژترین روزنامه این کشور است ، مقامات شرکت نفتی "اوستان اویل" نروژ برای ورود به بازار نفت ایران و سهم بردن از غارت ثروت های ملی مردم ما ، به مقامات جمهوری اسلامی رشوه داده اند تا آنها با استفاده از نفوذ خود ، تسهیلاتی را در امر عقد قراردادهای نفتی با دولت امپریالیستی نروژ به وجود آورند. مطابق گزارش این روزنامه ، شرکت نفتی "اوستان اویل" با پرداخت ده درصد از کل مبلغ یک قرارداد یک میلیارد کرون (۳۵۰ میلیون دلاری) به پسر رفسنجانی مزدور از طریق یک دلال ایرانی در لندن به نام عباس یزدی ، کوشیده است تا این قرارداد را به چنگ آورد.



البته باید دانست که رشوه خواری مقامات دزد و فاسد جمهوری اسلامی در رابطه با عقد قراردادهای نفت و گاز از دولتها و کمپانی های امپریالیستی یک امر روتین از سوی سران رژیم در طول ۲۵ سال بوده است. سال گذشته نیز در جریان رشد تضادهای درونی فیما بین سران رژیم افشا شد که مقامات شرکت ملی نفت جمهوری اسلامی چگونه در جریان به حراج گذاردن منابع نفت و گاز مملکت در پیشگاه دولتها و شرکتهای امپریالیستی، میلیون ها دلار رشوه تحت عنوان "کمسیون" و یا "پورسانتاژ" دریافت کرده اند تا تسهیلات هرچه بیشتری در خرید ارزانتر نفت و گاز ایجاد کرده و عقد قراردادهای طولانی مدت و غارتگرانه برای امپریالیست ها را امکانپذیر سازند.

شایان ذکر است که شرکت نفتی "اوستان اوپل" نورژ در سالهای اخیر به موازات یورش گسترده تر دولت های امپریالیستی به بازار نفت خاور میانه و ایران، فعالیت های شدیدی را برای کسب قراردادهای ارزان و باد آورده به ویژه در منطقه نفت و گاز "پارس جنوبی" به کمک رژیم جمهوری اسلامی آغاز کرده است که سرمایه گذاری مالی و تلاش برای خریدن مقامات دزد و فاسد جمهوری اسلامی، بخشی از این فعالیتهاست.

جمهوری اسلامی و پرونده قتل زهرا ...

(بقیه از صفحه اول)

او اضافه کرده که "بنا به گزارشاتى که به ما دادند، قبل از دفن خانم کاظمی، به جسد ایشان ترکیبات شیمیائی تزریق شده، انگیزه این عمل این بوده که جسد متلاشی بشود و از بین برود که این متلاشی شدن جسد، طبیعتاً مانع پیگیری بعد از نیش قبر پیرامون دلائل مرگ و اثبات ۱۰۰ درصد تجاوز به این مرحومه است." (مصاحبه با رادیو فردا، نشریه شهروند کانادا، ۳۱ مرداد)

رفتار دولت کانادا نیز در مورد پرونده قتل زهرا کاظمی جالب توجه است. مقامات این دولت نیز برغم آنکه کاملاً از ماهیت ضد خلقی و سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی و سابقه جنایات این رژیم در مواردی نظیر زهرا کاظمی با اطلاع اند، با این وجود به جز چند واکنش تبلیغاتی و دیپلماتیک عمل جدی ای در رابطه با پیگیری پرونده قربانی که تابعیت دولت آنها را داشته انجام نداده اند. تا جایی که پسر زهرا کاظمی در انتقاد از شیوه برخورد وزیر خارجه این کشور در رابطه با جمهوری اسلامی گفت که کانادا "توسط این رژیم تروریست مورد تمسخر واقع گردیده و به آنها اهانت شده است." این اظهارات در پی آن ادا شد که وزیر خارجه دولت کانادا بیل گرام در اوائل شهریور ماه به جمهوری اسلامی "یک هفته" فرصت داد تا "گزارش پرونده" "مرگ مشکوک" زهرا کاظمی را در اختیار کانادا قرار دهد و جسد زهرا کاظمی را به کانادا منتقل کند. وگرنه با "تغییر سیاست" دولت کانادا نسبت به ایران مواجه خواهد شد.

اما با گذشت این ضرب العجل هیچ اقدام مشهود و جدی ای در این مورد انجام نشد. این رفتار بار دیگر بر این حقیقت مهر تأکید زد که دولت های امپریالیستی نظیر کانادا به دلیل منافع اقتصادی - سیاسی چشمگیری که به برکت بقاء حکومت وابسته جمهوری اسلامی در ایران دارند، به رغم تمامی ادعاها و ژست های دفاع از حقوق بشر و دمکراسی هیچگاه حاضر نیستند تا حتی از گوشه ای از آن منافع غارتگرانه به دلائلی نظیر قربانی و شکنجه شدن یکی از شهروندان خود بگذرند. در این تردیدی نیست که انتظار شناسائی و معرفی عاملین اصلی دستگیری، شکنجه و قتل زهرا کاظمی همانند هزاران هزار قربانی دیگر نظیر او توسط رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی انتظاری عبث و بیهوده است. چه در این صورت، این سران جلاد جمهوری اسلامی از هر دو جناح هستند که باید به عنوان مسببین این جنایت و انبوه جنایات دیگر مرتکب شده توسط دیکتاتوری حاکم در دادگاه خلق حاضر شوند. و به همین دلیل امید بستن و سرمایه گذاری بر "فشارهای" دولت کانادا برای یافتن و مجازات قاتلین اصلی زهرا کاظمی امیدی کاذب است. رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در طول سالها حکمرانی سیاه خویش در ایران به ربودن و شکنجه و قتل و ترور هزاران تن از کارگران و خلقهای تحت ستم و مخالفین سیاسی خویش دست زده است و از این طریق بقاء حکومت دیکتاتوری خود را امکانپذیر ساخته است. سران این رژیم تبهکار به ویژه در جریان رسوائی "قتلهای زنجیره ای" که در اثر رشد تضادهای درونی میان خود جلادان حاکم رو شد نشان داده اند دستگیری، شکنجه، کشتن و ترور توده ها و مخالفین عامل اصلی بقاء حکومت آنهاست در نتیجه آنها هیچگاه نه می خواهند و نه می توانند که مجریان این جنایات را متوقف کرده و اعمال تبهکارانه آنها را مورد "تحقیق و بررسی" قرار دهند و از آن هم بالاتر آنها را به دلیل ارتکاب به چنین جنایاتی "محاكمه و مجازات" کنند. پرونده زهرا کاظمی و قتل فجیع او توسط سازمان اطلاعات نظام مدعی "گفتگوی تمدنها" و "احترام به حقوق انسانها" و ... آئینه تمام نمای این حقیقت است.

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!



اخبار کارگری

اعتصابات و مبارزات کارگری علیرغم شرایط خفقان بار موجود کماکان ادامه دارد. از جمله این حرکات می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- اعتراض کارگران فاستون بافی "ایران برک" به پرداخت نشدن حقوق ۴ ماهه خود. این کارگران که ۵۰۰ نفر می باشند ، برای اعلام اعتراضات خود در مقابل استانداری گیلان تجمع نمودند.

۲- کارگران شرکت صنایع "فیروزه الکترونیک" نیز که به مدت ۶ ماه است در ازای کارشان هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند ، در تاریخ ۲۶ شهریور در مقابل فرمانداری نیشابور تجمع نمودند. آنها که در یکی از بدترین شرایط معیشتی بسر می برند ، در ضمن نامه ای به خاتمی نوشته و خواستار برخورد او به مشکلات خود شده اند.

"پیام فدایی" بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره فکس و تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 208 - 8805621

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

ترکیه" است را در فرودگاه شهر آمستردام دستگیر نمود ، اما از آنجا که وی دارای اقامت دائمی در هلند می باشد ، دادگاه رأی به آزادی وی داد. با این حال بنا به گفته دادستانی ، او متهم به جعل سند و عضویت در یک سازمان تروریستی می باشد و لذا پرونده او در جریان خواهد بود.

دولت ترکیه که دستگیری وی را از پلیس بین المللی تقاضا کرده بوده ، خواستار بازپس گیری وی از دولت هلند شده است.

اعتراض به طرح پناهندگی جدید در هلند

شهرداران چهار شهر بزرگ هلند - آمستردام ، روتردام ، لاهه و اوترخت - پس از جلسه ای در روز سه شنبه ۹ سپتامبر سال جاری ، مخالفت خود را با طرح جدید دولت هلند مبنی بر دادن اجازه اقامت به تنها تعدادی از متقاضیان پناهندگی اعلام کردند.

به نظر آنان ، این طرح دولت فقط تعداد ۲۲۰۰ نفر از متقاضیان را در برمی گیرد و بقیه ی متقاضیانی که شامل این طرح نمی شوند از مزایای اجتماعی ارائه شده توسط شهرداری ها محروم خواهند شد و این امر امنیت اجتماعی را به مخاطره می افکند. آنها معتقدند که دولت هلند این متقاضیان را به مدتی طولانی در هلند معطل کرده است بنابراین این موظف است برای تمام آنان که نزدیک به ۶۳۰۰ نفر هستند اجازه ی اقامت صادر نماید.

رشد خافرهانی و فرار در میان سربازان آمریکایی

رشد نافرمانی و سایر تخلفات انضباطی در میان نیروهای اشغالگر آمریکایی در عراق ، نگرانی مقامات دولت بوش را برانگیخته است. تداوم حملات مرگبار روزمره به نیروهای آمریکایی در عراق و مشاهده نفرت بی پایان توده های زحمتکش عراقی نسبت به جنایات و ادامه تجاوزگری و اشغال عراق از سوی سربازان آمریکا به موجی از نافرمانی نسبت به اوامر افسران ارشد و حتی فرار از عراق در میان این نیروها دامن زده است. در همین رابطه در گزارشات خبرگزاری ها به نقل از دیپلمات های کشورهای عربی عنوان شده که از زمان اعلام پایان رسمی جنگ تا کنون قریب به ۱۲۰۰ سرباز آمریکایی از طریق مرزهای کشورهای مجاور عراق و به ویژه سوریه از جبهه های جنگ فرار کرده اند. در این گزارشات اضافه شده که دولت آمریکا فشار زیادی را بر سوریه وارد آورده تا مرزهای خود به سوی فراریان را ببندد و اجازه ورود سربازان فراری آمریکایی به خاک خود را ندهد. ماه گذشته در جریان سفر کالین پاول به عراق و بازدید از سربازان آمریکایی ، او اعتراف کرد که برخی از نیروهای ارتش آمریکا در عراق به دلیل "اقامت طولانی" در این کشور و "دوری از خانواده" ، روحیه خوبی نداشته و خواستار "بازگشت" به کشورشان هستند. لازم به تذکر است که در آمار رسمی مربوط به تلفات نیروهای آمریکایی به عراق حداقل به سه مورد "خودکشی" در میان سربازان آمریکایی در ماه های اخیر اشاره شده است.

دستگیری یکی از اعضاء "حزب انقلابی ترکیه" در هلند

روز شنبه ۶ سپتامبر سال جاری پلیس مرزی هلند فردی به نام "س ب" که بنا به ادعای دولت ترکیه از اعضاء بالای "حزب انقلابی

